



۲۰۱۵/۱۰/۳۱

ولی احمد نوری

## سوء نیت کشور ایران در مورد سرزمین ما افغانستان

مردم افغانستان و اتباع وطن پرست آن نباید سوء نیت ایران را در مورد میهن شان افغانستان و مردم آن به نظر سطحی بنگردند، که فاجعه بار خواهد بود!!

در تبصره و توجه بر نوشته غیر ملی و ویرانگر افغانستان و تمامیت ارضی آن از قلم شاعلی "داؤد مرادیان" که نخست به زبان انگلیسی در وبسایت الجزیره و بعداً به زبان دری در پورتال افغان جرمن آنلاین و اینک در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین جهت قضاوت و نظر خوانندگان گذاشته شده است.

می خواهم با تمام احساس و غرور افغانی ام آغاز این پنجره را من شخصاً بر عهده بگیرم و جداً امیدوارم هموطنان دانشمند، ملی و فرهیخته ام آنرا به طور جدی و روشنگرانه تعقیب فرمایند.

جناب "داؤد مرادیان" در این نوشته سؤال برانگیز خود که متن مکمل آنرا در هم دریچه پیش نظر دارید، چنین می نویسند:

«هر دو کشور افغانستان و ایران از جور قدرتهای استعماری و از فقدان مناسبات دوستانه در همسایگی خود متضرر بوده اند». [این مطلب را آقای مرادیان متذکر گردیده است]. توافق اتمی ایران واجد یک زلزله سیاسی و جیوستراتیژیک در منطقه شرق میانه و ماوراء آن - به شمول تسریع در حرکت به سوی ریفرم در ایران و تقویة حلقات دیموکراتیک در جهان اسلام می باشد.»

می خواهم بدانم که منظور آقای مرادیان از جمله (هر دو کشور افغانستان و ایران از جور قدرتهای استعماری و از فقدان مناسبات دوستانه در همسایگی خود متضرر بوده اند). چه است؟

اول باید (جور قدرتهای استعماری) تشریح گردد که کدام ها اند؟؟ و باز آقای مرادیان بفرماید که کدام نابسانی ها و کدام نکات مخرش سیاسی، جغرافیایی و ارضی در بین این دو مملکت از طرف قدرت های استعماری عملی شده است و این قدرت های استعماری با سند و دلائل معقول و قابل اعتماد معرفی گردد.

امیدوارم منظور آقای مرادیان از همان جفگیاتی که برادران ایرانی ما دعوی آنرا دارند سرچشمه نگرفته باشد!! ایرانی ها فکر می کنند و حتی یقین دارند که جغرافیای امپراتوری فارس از طرف قدرت های

استعماری دوباره خط کشی شده است و افغانستان را از پیکر فارس (ایران امروز) جدا کرده اند و نه افغانستان هم مال آنها بوده!!؟؟ ها ها ها!!؟؟

این افسانه نیست! من شخصاً این را از زبان ایرانی ها به گوش گنهکار خود شنیده ام و سخت با ایشان جنجال لفظی کرده ام. نه از زبان مردمان عادی و عام آن کشور، بلکه از دهن دانشمندان و تحصیلکردگان و انسان های مطرح جامعه سیاسی، اداری و رسانه یی ایران!  
چون آقای مرادیان مقاله خود را با یک شعر مولانای بزرگ «بلخ» ختم نموده است. (که او را نیز ایرانی ها از خود میدانند). ترسیدم که مراد مرادیان همان نباشد که ایرانی ها ادعا دارند.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

یعنی افغانستان بزرگ ما باید روزی خدای ناخواسته و صد ها کوه سیاه در مابین، به اصل خود بپیوند که همان ایران مرادیان است. آقای مرادیان در پراگراف دوم مقاله خود چنین می نویسد:

«با نجات از محاصره خارجیان و فشار های داخلی، اکنون ایران می تواند که خود، منطقه و جهان فراتر اسلامی را بسوی یک آینده مملو از ترقی، ثبات و مردم سالاری سوق دهد. و افغانستان از برقراری دوباره نقش ایران من حیث یک قدرت مسؤل و مأمون در همسایگی خود منفعت فراوانی را حائز خواهد شد».

این پراگراف نوشته آقای مرادیان بنظر من از جهان خوش بینی و اطمینان او بحیث یک دوست و فدایی ایران بر دولت آخندی آن کشور سرچشمه گرفته است که نمیتوان آنرا با واقعیت های جامعه ایران مقایسه کرد. وقتی آنرا با تائی دوباره میخوانم ناخود آگاه خنده ام می گیرد و زیر زبان می گویم ایکاش آقای مرادیان (اقلاً برای مردم ایران) راست می گفت، که مردم ایران از رنج سفاکی آخندان نجات می یافتند و روزگاری با آرامی و احترام حقوق بشر مخصوصاً حقوق زن، زندگی می کردند. ما افغان هات از منفعت فراوان آن می گذریم و تنها آرزو داریم ما هم به حیث انسان و مملکت ما من حیث یک کشور آزاد و سرفراز بپذیرند.  
آقای مرادیان در پراگراف بعدی نوشته اش از (انزوای سیاسی افغانستان و مشکل جغرافیایی محاط به خشکه بودن) آن گپ می زند که این خود سخنان و تفکر بالایش را ثابت می سازد.

همچنین در همین پراگراف که در ذیل می خوانید آقای مرادیان از همه همسایه های افغانستان با نام و نشان آنها با طول و عرض سرحدات شان و با مشکلات و پرابلیم های آنها می نگارد ولی ایران را من حیث یک همسایه افغانستان در جمله همسایه های دیگر از قلم می اندازد.

چرا؟؟

آیا باز هم این به خاطری است که این هر دو کشور را یکی می داند و خدای ناخواسته افغانستان را ملکیت ایران می پندارد و باز هم می خواهد بگوید که :

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

که هرگز چنین مباد!!

ولی بعداً در پراگراف بعدی که در پایان می خوانید از افغانستان یاد می کند که در آنجا هم موضوعاتی مطرح شده که همه سوال برانگیز اند:

«شکی نیست که وجود انزوای سیاسی افغانستان مشکل جغرافی محاط به خشکه بودن این کشور را دو چندان ساخته است. گفته می توانیم که از میان هفت همسایه افغانستان، تنها سرحد آن با تاجکستان نسبتاً خالی از کشمکش سیاسی می باشد. مگر، سرحد دراز آن با کشور پاکستان دستخوش هجوم لشکری و سیاسی بوده، و مناسبات آینده افغانستان با ترکمنستان، ازبکستان و چین دستخوش بی ارادگی گردیده است».

«هند، یگانه پارتنر عمده این کشور محاط به خشکه نیز تحت فشار مجبوریت های ناشی از مشکلات سرحدی با همسایه غربی خود گردیده است. مناسبات افغانستان با همسایه مهم دیگرش، ایران هم چنان تحت الشعاع رقابت های نائبی ایران و عرب سعودی، اقدامات کشورهای غربی به منظور محاصره اقتصادی ایران، سیاست اپیدئولوژیکی دولت ایران و بعضی افغان های مخالف ایران گردیده است».

#### ادامه دارد

بقیه مقاله آقای داؤد مرادیان را که با عناوین (تلاقی منفعت ها)، (راه سوم)، (ریشه های ایرانی) و (سراسیمگی فرهنگی) تحریر گردیده و همه مورد سوال و بحث است در آینده با شما یکجا مورد مذاقه قرار خواهیم داد.

